

خدا حافظی با بناهای تاریخی!

تخریب سر در یک کاروانسرای به جا مانده از دوره صفویه در قم و آرامگاهی بر جا مانده از دوره تیموریان در دز فول
بار دیگر بحث تخریب بناهای قدیمی را بر سر زبان ها انداخت

دلارام کاردار | خبرنگار

پرونده

چند روزی بیشتر از ادعای یک فعال میراث فرهنگی خوزستان درباره تخریب آرامگاه «یعقوب لیث» به دلیل اشتباه پیمانکار نگذشته بود که به خاطر آتش سوزی در انبار چوب و چوب بری های باز آرمه قهقهه، به بخش کاروانسرای ملاحسین این باز آرمه ثبت ملی نیز شده بود، خسارات زیادی وارد شد. گویا عوامل آتش نشانی برای جلوگیری از روشن شدن آتش نهفته زیر چوب های این انبار ها، اقدام به تخریب یکی از سر در های تاریخی سرای ملاحسین کردند و تصویری ناراحت کننده از این اتفاق در شبکه های اجتماعی دست به دست شد. در این بین باید توجه داشت که مسئله احیا، حفظ و مرمت بافت های تاریخی از چنان اهمیتی برخوردار است که در روز ۱۵ اردیبهشت ماه امسال، مجلس شورای اسلامی، کلیت طرح یک فوریتی حمایت از مرمت و احیای بافت های تاریخی - فرهنگی و توانمند سازی مالکان و بهره برداران بناهای تاریخی - فرهنگی را با ۱۳۸ رأی موافق به تصویب رساند. هر چند این خبر را می توان به فال نیک گرفت اما آیا کمی برای به تصویب رساندن این لایحه دیر نبوده است؟! اکنون که صدها خانه و بنای تاریخی در اثر اهمال، تخریب شده و از بین رفته اند و ما ماندگاریم و بی هویتی! در این پرونده درباره تخریب ساختمان های تاریخی، دلایل ضرورت حفظ و نگهداری آن ها، قوانین و مجازات مرتبط به آن ها پرداخته شده که حاوی اطلاعات تلخ اما جالبی است که شاید دانستن شان باعث شود همه مادر حد توان مان، نقشی در حفظ این آثار ایفا کنیم.

ماجرای تخریب ۲ بنای تاریخی در یک هفته چه بود؟

آتش سوزی و اشتباهی که صحتش مشخص نشد!

آرامگاه یعقوب لیث صفاری در روستای شاه آباد در ۱۰ کیلومتری دز فول قرار دارد. یعقوب لیث در سال ۲۴۷ هجری قمری اولین شهریار ایرانی بعد از اسلام شد و سلسله صفاریان را بنیان گذاشت. یعقوب لیث صفاری نخستین کسی بود که زبان پارسی این بنای ثبت ملی شده با واکنش های مختلفی روبه رو شد که دو دلیل متفاوت برای آن اعلام شده است. ابتدا «قاسم منصور آل کثیر» فعال میراث فرهنگی استان خوزستان درباره این تخریب گفت: «به تازگی آرامگاه تاریخی یعقوب لیث در شهرستان دز فول و درون محوطه تاریخی جندی شاپور بر اثر اشتباه پیمانکار و به اشتباه تخریب شده است». با این حال چند روز بعد، یکی از مسئولان میراث فرهنگی در اظهار نظر متفاوتی گفت: «این بخش از دیوار آرامگاه یعقوب لیث صفاری دارای الحاقاتی بود که در سال های نه چندان دور به



عکس از فارس

بنا اضافه شده بود. وی با بیان این که این الحاقات باید در روند مرمت برداشته می شدند، تصریح کرد: «آجرهای سنتی متناسب با جایگاه تاریخی بنا جایگزین آن ها می شود.» البته که گذر زمان، صحت یکی از این ادعاها را ثابت خواهد کرد. در این بین و یک روز بعد، آتش سوزی در انبار چوب و چوب بری های بازار کهنه قم که در بخش کاروانسرا و سراسر ملاحسین این بازار، خساراتی به این بخش تاریخی که ثبت ملی نیز شده، وارد کرد. هر چند با تلاش نیروهای آتش نشان پس از سه ساعت آتش خاموش و اقدامات لکه گیری آغاز شد اما در این حین، عوامل شهرداری برای جلوگیری از روشن شدن آتش نهفته زیر چوب ها اقدام به تخریب یکی از سر در های تاریخی سرای ملاحسین کردند تا بتوانند چوب های نیمه سوز را در گودال کناری کاروانسرا بریزند. اقدامی که قسمت های قابل توجهی از این بنا را به خاک سیاه نشان.



حجاری های برم دلك

مربوط به چه دوره ای بود؟ ساسانیه
چرا خراب شد؟ بر خور دبیل مکانیکی با آن



حجاری های برم دلك مربوط به دوره ساسانیان در شیراز، انتهای خیابان کفترک واقع شده و در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۷۱ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده بود. روی این اثر که بر صخره کوچکی در برم دلك در حدود ۱۰ کیلومتری شرق شیراز قرار دارد، دو نقش وجود داشت. در نقش سمت چپ، در برابر شاهزاده خانم ساسانی تصویر یکی از بزرگان ساسانی دیده می شود و در زیر باوی این مرد کتیبه ای چهار یا پنج سطری به خط پهلوی به قلم ریزی نگاشته و البته اغلب حروف آن محو شده بود. این سنگ نوشته ها چند سال پیش با بیل مکانیکی مورد تعرض قرار گرفت و بخشی از آن تخریب شد که دیگر قابل مرمت هم نبود.



ویران و ویران تر شد. به تدریج معنادان این خانه تاریخی را از آن خود کردند و از سوی دیگر ماجرا، درخواست ها برای خروج خانه از ثبت ملی هم بالا گرفت تا این که در ۲۱ فروردین ماه امسال قرار داد خرید خانه نیما، پس از ۱۹ سال بین شهرداری تهران و مالک به امضا رسید و اکنون که سند مالکیت این خانه به نام شهرداری شده، امید است اقدامات لازم برای حفظ این بنا از شر شمند هر چه سریع تر انجام شود.

خانه سید جواد نائل

مربوط به چه دوره ای بود؟ صفویه
چرا خراب شد؟ به بهانه تعریض کوچه

در کوچه مسجد مصری در محله طوقچی اصفهان، تاجری مصری خانه ای برای خود ساخته بود که امروز به خانه «سید جواد نائل» مشهور است و البته بهتر است بگوییم مشهور بود چرا که در سال ۹۶ این خانه که از آثار ارزشمند دوره صفویه محسوب می شد، به بهانه تعریض کوچه، شبانه و طبق شواهد توسط افرادی ناشناس با لودر تخریب شد. قدمت این بنا در پرونده ثبتی اش «از شاه صفی تا سقوط اصفهان» ثبت شده و توسط یک تاجر مصری در زمان «اوزون حسن» (فرمانروای دوره آق قویونلوها) در محله طوقچی ساخته شده بود. این اثر ارزش تاریخی باید عین به عین بازسازی شود زیرا اکنون فقط یک اتاق از این بنای تاریخی سالم مانده است. شایان ذکر است متأسفانه بازسازی عین به عین دیگر در حوزه «مرمت» قرار نمی گیرد زیرا اصالت بنا خدشه دار می شود. در نتیجه باید بپذیریم بنای ارزشمند تاریخی دیگری نیز برای همیشه از بین رفته و نمی توان رایش کاری کرد!



خانه نیما یوشیج

مربوط به چه دوره ای بود؟ سال ۱۳۲۷ - معاصر
چرا خراب شد؟ فروخته شد

در سال ۱۳۲۷ نیما یوشیج، بنیان گذار شعر نوین ایران در خانه نیمه کاره اش که آن زمان خارج از تهران قرار داشت و امروز در محله تجریش و خیابان دزاشیب قرار گرفته، ساکن شد. این خانه ۱۸۰ متر مربع است و سقف شیروانی و ایوان آن که هشت ستون دارد، گواهی بر معماری متداول منطقه شمیران است. ماجرا زمانی جالب می شود که جلال آل احمد نیز در سال ۱۳۳۱ در مجاورت خانه نیما، خانه ای می خرد و امروز همین خانه تبدیل به «خانه موزه سمین و جلال» شده است. اما خانه نیما که پس از مرگ همسرش؛ خالی از سکنه شده بود، در سال ۱۳۴۵ توسط فرزندان به سرنگی بازنشسته فروخته شد. هر چند مالک قصد داشت این خانه را تخریب کند اما با پیگیری ی سمین دانشور، همسر جلال آل احمد و همراهی دوستداران نیما، این خانه توسط سازمان میراث فرهنگی در فهرست آثار ملی به ثبت رسید اما ثبت در فهرست ملی میراث فرهنگی نیز نتوانست مانعی برای تخریب خانه نیما باشد چنان که وضعیت این روز های این خانه تاریخی، بسیار نامناسب است. وضعیت بغرنج خانه و گزارش هایی که از آن منتشر می شد، برخی اعضای شورای شهر از جمله احمد مسجد جامعی را بر آن داشت تا در قالب یک «تذکر» خواستار جلوگیری از تخریب خانه نیما یوشیج شوند. تذکر جدی گرفته نشد و خانه

خانه سیدان

مربوط به چه دوره ای بود؟ قاجار به
چرا خراب شد؟ گودبرداری غیر اصولی

یکی از کوچک ترین خانه های تاریخی مشهد به نام خانه «سیدان» واقع در خیابان وحدت ۲۱، کوچه غلام حیدر پاکسید، متعلق به دوره قاجار است که در سال ۱۳۸۴ به ثبت ملی رسیده بود. این خانه یکی از آن بناهایی است که اواسط سال گذشته فرو ریخت و واکنش های زیادی را در پی داشت؛ هر چند این خانه، اولین بنای تاریخی نبود که در بافت تاریخی اطراف حرم امام رضا (ع) هنگام ساخت و ساز از بین رفت. رئیس هیئت مدیره انجمن توسعه گردشگری چهارباغ خراسان، گودبرداری غیر اصولی پروژه کنار این بنای تاریخی را مسبب ریزش آن دانست. او با بیان این که خانه تاریخی «سیدان» از زمان گودبرداری تخلیه شده بود، تاکید کرد: «یک اظهار نظر در این زمینه می گوید که آثار گودبرداری باعث این تخریب شده است. از سوی دیگر گفته می شود امکان دارد با پر شدن چاه جذبی خانه، بر اثر بارندگی های مشهد، بنا در داخل ریزش کرده و سپس به طور کامل ریخته باشد.» در خور ذکر است ظاهراً زمانی بحث خرید این خانه قاجاری از سوی شهرداری مطرح شده بود اما گویا ورئه اجازه انجام این کار رانداه بودند و سه سال قبل هم مالک پروژه های قصد داشت با خرید این خانه آن را نیز به پروژه خود بچسباند اما با تلاش دوستداران میراث فرهنگی مشهد از این کار جلوگیری شده است اما افسوس که حفظ این بنا کامل صورت نگرفت و شد آن چه نباید می شد.



چرا حفظ بناهای

تاریخی مهم است؟

کشور عزیزمان ایران نقاط درخشانی از جمله آثار معماری متعلق به هخامنشیان، ساسانیان و دستاوردهای بزرگ هنری و معماری دوره اسلامی را داراست. با این حال و در نگاه نخست، هنگامی که صحبت از «تخریب آثار تاریخی» به میان می آید، ذهن به سمت یادگاری ها و کنده کاری های نوشته شده روی آثار تاریخی می رود! اما جنایتی بزرگ تر از نوشتن بر در و دیوار بناهای تاریخی نیز وجود دارد و آن «تخریب» ساختمان ها و آثار باستانی از ریشه است که برای آن دلایل متعددی ارائه می شود اما بی شک هیچ کدام توجیه مناسبی برای از بین بردن هویت تاریخی و شهری انسان ها نیست! تصور کنید خانه پدر بزرگ شما که در حیاتش روز های خوش کودکی را با نوه های دیگر گذرانده اید، خراب و با خاک یکسان شود و به جای آن ساختمان غول پیکری سبز شود. چه حالی به شما دست می دهد؟ حالا به جای خانه پدر بزرگ، خانه یک شخصیت بزرگ تاریخی یا فرهنگی، علمی یا هنری را در نظر بگیرید یا ساختمانی که زمانی اداره و سازمان مهمی بوده است. مکانی که در آن اتفاقات بزرگ و سرنوشت سازی برای یک ملت رخ داده است. محیطی که جولانگاه معماران، هنرمندان و زحمات کشانی بوده تا بتوانند مصالح مختلف ساختمانی را به فضایی دلنشین و ارزشمند تبدیل کنند. می توانید تصور کنید که خراب کردن این ساختمان ها، چه لطمه هایی به تاریخ و هنر و فرهنگ یک سرزمین وارد می کند؟ چون پاسخ واضح است، نیازی به توضیح بیشتر نیست!

قانون برای عاملان تخریب آثار فرهنگی چه مجازات هایی در نظر گرفته است؟

یک تا ۱۰ سال حبس

در تمام دنیا قوانین بین المللی سختی در خصوص تخریب یا آسیب رساندن به بناهای تاریخی وجود دارد اما یکی از سخت ترین قوانین در خصوص تخریب اموال تاریخی و فرهنگی در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ایران درج شده است. بر اساس ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، هر فردی به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی، تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزیینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقل از واجه حیثیت فرهنگی، تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارد شده به حبس از یک تا ۱۰ سال محکوم می شود. بر اساس ماده ۵۵۹، هر فردی اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی تاریخی را از موزه ها و نمایشگاه ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکنی که تحت حفاظت یا نظارت دولت است، سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن، اشیاء مذکور را بخرد یا پنهان کند در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نشود علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا ۵ سال محکوم می شود. همچنین بر اساس ماده ۵۶۰، هر فردی بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی کشور یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی این سازمان در حریم آثار فرهنگی تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی کند که سبب تزلزل بنیان آن ها شود، یا در نتیجه آن عملیات به این آثار و بناها خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارد شده به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود. فصل ۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی کشور مان تا حدی با جدیت برای عاملان تخریب آثار فرهنگی و تاریخی برخورد هایی را در نظر می گیرد که ترجمه انگلیسی این فصل به صورت فایل پی دی اف در وبگاه یونسکو قرار گرفته است. بنابر این انتظار می رود با توجه به وجود چنین راهکارهای قانونی، عوامل دخیل در تخریب بناهای تاریخی با مجازات سنگینی مواجه شوند. اما آیا به راستی چنین است؟! منابع این مقاله: تارک، نینو، آهسته، آهسته، فارس